

به نظری می رسد رقبای شمدار جریان اصولگرا اهتمام خود را معطوف به ناکار آمد نشان دادن دولت یازدهم قرار داده اند. بخصوص که عملکرد دولت راد برجام خلاصه می کنند و نتیجه می گیرند که آن هم موفق نبوده است. آیا حمایت اصلاح طلبان از روحانی محدود به حوزه سیاست و معطوف به انتخابات پیش رو است یا از عملکرد کلی دولت حمایت می کنید؟

دفاع مجموعه اصلاح طلبان از آقای روحانی تنها به دلایل سیاسی مربوط نیست. در بخش هایی ممکن هست انتقادهایی هم داشته باشیم، اما مجموعه عملکرد دولت ایشان را به طور نسبی موفق می دانیم. مثل معروفی هست که جلوی ضرر را از هر جا بگیریم، نفع است. آقای روحانی جلوی تهدید را گرفت و بحران را از کشور دور کرد. به جای آنکه همه دنبالعلیه کشور سیخ شوند، باتدبیر آقای روحانی اجماع قدرت های جهانی علیه کشورمان از هم پاشیده شد. وقتی آقای ترامپ می گوید من برجام را پاره می کنم، اروپا حساب خود را از آمریکا جدا می کند، اینها همه دستاورد بزرگی است که در دوره آقای روحانی حاصل شده است. در بیان ضعف ها نیز انتقاد از این است که فاصله میان بدنه دولت با رئیس دولت باید کمتر شود و انسجام بیشتری وجود داشته باشد. مسأله دیگر این است که هر فرد در هر جایگاهی حتی اگر پیامبر باشد، بی نیاز از مشورت نیست، در قرآن به پیامبر هم توصیه به مشورت شده است. بنابراین دولت هم نیازمند اتاق فکرهای قوی متشکل از کارشناسان ارشد، نخبگان علمی، دانشگاهی، فرهنگی، اقتصادی و... برای تبادل نظر در مسائل مختلف است.

شما گفتمان آقای روحانی را با اصلاح طلبان نزدیک می بینید؟

نزدیک است. نه ایشان ادعا دارند که اصلاح طلب هستند و نه ما ایشان را اصلاح طلب می دانیم. حزب آقای روحانی اعتدال و توسعه است. ما هم اعتدال و توسعه را توأمان از مؤلفه های اصلاح طلبی می دانیم. بنابراین نوع نگاه نزدیک است.

در انتخابات ریاست جمهوری ۹۶ باز هم ضرورت شکل گیری ائتلاف اصلاح طلبان و اعتدال گرایان وجود دارد؟

امیدوارم و همین طور فکر می کنم. سازوکاری که اصلاح طلبان برای انتخابات تدارک دیدند، شورای سیاستگذاری است، به نظر می رسد اختلافاتی هست. برخی معتقدند احزاب باید محور باشند و برخی نیز چهره های شاخص را محوریت می دانند. در این میان عده ای هم پیشنهاد می کنند ترکیبی از این دو مجموعه باشد. بنده نیز معتقد به رویکرد تلفیقی هستم. شورای هماهنگی اصلاح طلبان مجموعه احزاب سیاسی اصلاح طلب هستند که هویت دارند و باید هویت شان حفظ شود. من در سال ۷۵ مسئول و سخنگوی این گروه بودم که آن دوره متشکل از حدود ۱۳ گروه بود و شورای هماهنگی گروه های خط امام نام داشت. باید از شورای سیاستگذاری اصلاح طلبان دفاع کنیم. این از روی تعصب نیست بلکه برای انسجام بیشتر در جبهه اصلاحات است.

به نظری می رسد اصلاح طلبان پس از یک دوره متلاطم تجربیات زیادی کسب کردند که در انتخابات ۹۲ و ۹۴ با پیروزی، نتایج آن بروز کرد. برخلاف تشتت و اختلاف نظرها در اردوگاه اصولگرایان، در طیف اصلاح طلبان یک پختگی در کنشگری سیاسی به چشم می خورد. این رویکرد را حاصل چه می دانید؟

در مسائل اجتماعی و سیاسی اگر یک فرآیند را مورد بررسی و ارزیابی قرار دهید، فرآیند طی شده از سال ۸۴ به این سو در جبهه اصلاح طلبان روبه رشد بوده است. اصلاح طلبان از آن تفرق که به روی کار آمدن دولت نهم و دهم کمک کرد، پند گرفتند و حاصل آن در انتخابات سال ۸۸، ۹۲ و ۹۴ عیان شد و معتقدم این روند تداوم خواهد داشت. این اتفاق را در جبهه اصولگرایان شاهد نیستیم و آنها با چند پارگی مواجه بوده و هستند. من پیامد ضایعه در گذشت آقای هاشمی را هم در جهت تقویت فرآیند همبستگی بیشتر اصلاح طلبان ارزیابی می کنم. حمایت ایشان از دولت و حضور مردم در تشییع پیکر ایشان پشتوانه ای هست که در انتخابات سال ۹۶ هم تکرار می شود.

نگاه اصلاح طلبی مدرن تر و مبتنی بر خردگرایی، رویکرد جهانی و فرآیند دموکراسی است و مدافع وضع موجود نیست. برای طیف مقابل، حفظ وضع موجود مهم است که ممکن هست خود را بنیاد مند تجربه جهانی نبیند و آن را با سوء ظن دنبال کند. همین نگاه رفتار سیاسی و اجتماعی می تواند باعث شکست یک جریان فکری و سیاسی شود. وقتی کسی از زمانه خود عقب بماند به لحاظ اجرایی، فکری و برنامه ای از فضای رو به پیشرفت جهانی فاصله می گیرد.

اگر چه به گفته بسیاری از تحلیلگران پیروزی آقای روحانی در انتخابات بعدی حتمی به نظر می رسد، اما عرصه سیاسی عرصه غافلگیری هم هست. به نظر شما دولت و

فکر می کنید اصولگرایان با نامزدهای امتحان پس داده خود دوباره وارد میدان می شوند یا با چهره جدیدی به عرصه رقابت خواهند آمد؟

بین خودشان هم اختلاف است، چنانکه برخی احزاب قدیمی نامزد اختصاصی معرفی کرده اند که مورد استقبال هم قرار نگرفته است. به نظر من دود سفیدی از اردوگاه اصولگرایان بلند نخواهد شد.

برخی همچنان از آقای قالیباف به عنوان نامزد جدی اصولگرایان نام می برند. به نظر شما او بعد از ماجراهای املاک نجومی و حادثه پلاسکومی تواند شانس در انتخابات داشته باشد؟

من هیچ وقت یک سرهنگ و یک فرد نظامی را حریف قدری برای یک حقوقدان نمی دانم. طبیعت ملت ایران خیلی همراه نیست که بخواهد اداره کشور را به فردی با روحیه نظامی گری بدهد. چنانکه نامزدهای نظامی در گذشته هم تجربیات خوبی در این زمینه نداشته اند.

فکر می کنید طیف های میانه رو اصولگرا در انتخابات پیش رو باز هم از آقای روحانی حمایت کنند؟

احتمال می دهم این اتفاق بیفتد و پیشنهاد می دهم به همین فکر باشند و مصالح کشور را در نظر بگیرند. مسائل و مشکلات کشور ایجاب می کند حتی آنان هم برای تشکیل یک دولت قوی در آینده کمک کنند.



اصلاح طلبان در مدت باقی مانده روی چه مسائلی باید تمرکز بیشتری داشته باشند؟

دولت به عنوان مجری انتخابات باید حساسیت لازم را داشته باشد. بیشترین تأکید و حساسیت در وزارت کشور، استانداری ها، فرمانداری ها و بدنه آنهاست. معتقدم انتخابات باید شفاف تر و سالم برگزار شود و اجازه دهند نمایندگان احزاب مختلف در نظارت بر انتخابات حضور داشته باشند و همه موارد پیش آمده هم اعلام عمومی شود، ترجیح بر برگزاری انتخابات به شکل الکترونیک باشد و شبکه های مجازی محدود نشوند. اگر این اتفاق بیفتد و رقابت سالم و برابر باشد، آرای آقای روحانی از دوره قبل بیشتر خواهد بود. آقای روحانی هم به نظرم باید ارتباط خود با نخبگان و توده مردم را بیشتر و بیشتر کند، مرتب با مردم صحبت کند. من اگر جای ایشان بودم، هر هفته با مردم صحبت می کردم.

اگر صداوسیما محدودیت ایجاد می کند آقای روحانی ارتباط با مردم را از طریق شبکه های اجتماعی و دیگر رسانه هادنبال کند. **مطالبه ای که فکری می کنید مهم بوده و باید در دولت دوم آقای روحانی دنبال شود، چیست؟** به نظرم دولت باید اهتمام بیشتری نسبت به آموزش عالی به لحاظ استقلال دانشگاه ها داشته باشد و فضای امن و آزاد و پر نشاطی را برای آموزش، پژوهش و تبادل نظر علمی و اجتماعی و مبادله تجربیات فراهم کند. اختیارات وزارت علوم در گزینش استادان، دانشجویان، برنامه ریزی آموزشی، پژوهشی و انتخاب مدیریت های دانشگاهی را به دولت بازگرداند. در کنار این از سرمایه های نمایندگان کشور محافظت کند. فعالان سیاسی، مدنی و فرهنگی را در کنار خود و نظام بداند و برای پایان یافتن حضور ممنوع تصویریری تلاش جدی تر کند. انتظار دیگر از دولت حمایت از جامعه مدنی اعم از مطبوعات، فعالان فضای مجازی، احزاب، ان جی اوها و... است. در این صورت آینده کشور و سلامت انتخابات در آینده تضمین بیشتری می یابد.

در جناح اصولگرا به گفته کارشناسان سیاسی، تلاش و تمرکز بر کاهش آرای روحانی یا بردن انتخابات به دور دوم است. برخی هم می گویند آنها چون شانس در ریاست جمهوری ندارند، بیشتر روی انتخابات شوراهات تمرکز می کنند. آیا شما استراتژی

واحد و خاصی در این جناح سیاسی می بینید؟ متأسفانه نشانه بارزی از تجدید نظر و تحول در مشی گذشته آنها نمی بینم.

چرا متأسفانه؟

متأسفانه را به خاطر کشور می گویم. ما رابطه عدالت و آزادی را تنگاتنگ و حلقه های متصل به هم می بینیم. اگر آزادی نباشد عدالت هم محقق نمی شود. اصولگرایان اگر چه شعار عدالت می دهند، اما از ملزومات آن غافل می شوند. به همین خاطر من نشانه هایی از تحول در آنها نمی بینم. نشانه های این تحول آن است که اصولگرایان اصیل و عقلائی قوم در کنار دفاع درست از عدالت، از حق داشتن فرصت برابر برای همه جریان های سیاسی در انتخابات دفاع کنند. عدالت که فقط به حوزه اقتصاد محدود نمی شود. تأمین عدالت فکری، سیاسی، فرهنگی، قومیتی، جنسی، نسلی و... هم ضروری است و اهمیت دارد.

منظورتان از اصولگرایان اصیل چه طیف هایی هستند؟ روی سخن من بیشتر با چهره های محوری و خوشنام اصولگرایان است که به آنان احترام می گذارم. امیدوارم این تغییر و تحول اتفاق بیفتد. شایسته است که آنها هم بر اساس ملاک های خودشان، شایسته ترین فرد را نامزد انتخابات کنند، کسی که بتواند پاسخگوی نیازهای کشور باشد.

از سر خط اخبار اصولگرایان به نظری می رسد آنها عمدتاً با رویکرد سلبی و انتقاد از دولت وارد دغدوده اند. آیا شما برنامه هایی که بتواند جایگزین سیاست های دولت یازدهم باشد را در مواضع اصولگرایان مشاهده کرده اید؟

من چنین برنامه هایی را ندیده ام که مثلاً برای حل مشکلات بیکاری، رکود اقتصادی، تورم و افزایش رشد اقتصادی و حل فصل مشکلات منطقه ای و جهانی کشور، سیاست تعریف شده ای داشته باشند. البته یک ضعفی هم در کشور ما وجود دارد که به هر دو جناح برمی گردد و آن، این است که برنامه ریزی ها خیلی پشتوانه مطالعاتی و تحقیقاتی ندارد.

این جریان زیر سایه علی لاریجانی شناخته می شود که در انتخابات مجلس حتی نام وی در فهرست اصولگرایان قم قرار نگرفت. به نظر شما این طیف راه خود را از اصولگرایان جدایی می کند؟

من این اتفاق را بیشتر ناشی از هوش سیاسی و تدبیر آقای لاریجانی می دانم. از آنجا که شعارها و برنامه های اصولگرایان نه روز بود و نه منطقی به نظر می رسید، فکر می کنم آقای لاریجانی و هواداران ایشان با آگاهی از جریان یاد شده فاصله گرفته اند و می گیرند.

گفته می شود طیف آقای لاریجانی خود را دنبال کننده گفتمان اعتدال معرفی می کنند و خود را برای انتخابات ریاست جمهوری ۱۴۰۰ آماده می کنند. به نظر شما چنین ظرفیتی در آنها وجود دارد؟

اینکه برای انتخابات برنامه ای داشته باشند، حششان است و کسی نمی تواند مانع آنها شود اما اینکه بگویم به لحاظ گفتمانی از جنس آقای روحانی هستند، پاسخ من منفی است. البته مسلم است که جنس آنها افراطی نیست و از اعتدال بیشتری برخوردار هستند اما نه به اندازه روحانی و اطرافیان.